

کیمتسان

جستاری در موضوع حریم‌های درون خانوادگی

آنچه در سبلی می‌آید بررسی‌مسئندسی ارتباطات درون خانوادگی و حریم‌های مشخص شده از منظر آموزه‌های وحیانی و شارع مقدس است که وجوه تمایز سبک زندگی غربی از سبک زندگی اسلامی را نمایان می‌سازد.

یکی از اصول مهم در مهندسی رابطه‌های درون خانوادگی مراعات حریم‌های مشخص شده از طرف شارع می‌باشد دقت دراین حریم‌ها یکی از مولفه‌های مهم سبک زندگی خانوادگی ایده‌آل از منظر اسلام است. حریم بر لغت به معنی آنچه از پیرامون خانه و عمارت که بدان تعلق دارد، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد و در اصطلاح به معنی ایجاد هرگونه محدودیت برای مخفی نگاه داشتن چیزی از کسی می‌باشد.

از منظر اسلام خانواده‌های را می‌توان ایده‌آل دانست که حریم‌ها و بنودیت‌ها درین اعضا مشروط دستورات حکیمانه الهی مراعات شود.
شاید این دوره ای مطرح شده است که برای یک خانواده زندگی می‌کنند و هم محرم می‌باشند چه حریم‌هایی می‌تواند وجود داشته باشد؟ در پاسخ به این سوال به طور اجمال می‌توان گفت بحث محرم و نامحرم با هدف جلوگیری از انحطاط اخلاقی جامعه تشریع شده است؛ و هر کجا احتمال انحراف و انحطاط اخلاقی وجود داشته باشد برای جلوگیری از آن شارع مقدس از روی حکمت حریم‌هایی وضع نموده است. البته این حریم‌ها از لحاظ حدت و شدت متفاوت است و با توجه به فطرت انسانی تنظیم شده است، به این معنی که انسان (اگر فطرت سالم داشته باشد) از لحاظ فطری نسبت به محارم خود میل و کشش جنسی مستمتر و عادی ندارد؛ اما آنجا که شهوت در انسان عقل و فطرت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و با آن توجه به قائده قوت محتمل حریم‌هایی کمرنگ‌تر از حریم محرم و نامحرم برای او وضع شده است.

در سبک‌های زندگی غیرالهی، مخصوصا سبک زندگی غربی، حریم در خانواده تقریبا چیزی بی مفهومی است و دلیل آن این است که بشر غربی برای رسیدن به آزادی حیوانی اراده کرده است که همه حریم‌ها را بشکنند. البته باید توجه داشت بشر غربی نیز تا قبل از دوران رنسانس که بحث روابط آزاد در آن مطرح نبود و هنوز دین به عنوان یک مولفه مهم در بین آنها مطرح بود، این حریم‌ها را نیز مورد توجه قرار نمی‌داد و این را می‌توان از نوع پوشش زنان غربی در آن دوره که در تصاویر و نقش‌های آن زمان وجود دارد فهمید؛ اما بعد از دوره رنسانس که دین به کلیسا محدود شد و بحث روابط آزاد مطرح گردید، آرام آرام بحث حریم‌های درون خانوادگی از بین رفت و این امر عریانی حیوانی را بر پوشش انسان ترجیح داد. اسلام با توجه به این مهم، در سبک زندگی خانوادگی ایده‌آلی که برای بشر تعریف کرده برای تمام افراد خانواده حریم‌هایی مشخص نموده است. و برای بقاء این حریم‌ها ساز و کارهایی نیز ارائه داده است که هر کدام از حریم‌ها و سازوکارها در ادامه به صورت مجزا بیان خواهد شد.

حریم‌های بزگ زن و شوهر و فرزندان

به طور قطع می‌توان گفت‌ترین حریم‌های زن و شوهر است، به اقتضای مسائل زناشویی تقریبا می‌توان گفت هیچ حریمی بین زوجین وجود ندارد؛ در آنجا که فرایت و نزدیکی آنها به حدی است که قرآن آن دو را به لباس برای یکدیگر تشبیه نموده است.

«هن لباس لکم و تنان لباس لهن» «زنان شما پوشش شما هستند و شما پوشش آنها» (البقره- ۱۸۷)

البته آداب بین زن و شوهر با جریان حفظ حریم‌ها فرق می‌کند منظور از این جمله یعنی آداب نیست، چرا که در آیات و روایات زیادی آداب زناشویی مطرح شده است بلکه منظور این است که بین زن و شوهر هیچ برده‌ای نیست و انحراف ناشی از عدم حفظ حریم‌ها بین آن دو راهی ندارد.

اما زن و شوهر که تا این حد به هم نزدیک هستند، که مثل یک نفر می‌باشند باید در مقابل فرزندان خود حریم‌هایی را حفظ نمایند، که اتفاقا هم روانشناسان و متخصص و هم متون روایی و قرآنی به شدت بر این موضوع تأکید کرده‌اند. در اسلام خصوصاً این امر به سه سطح مطرح شده است که هر کدام در آینده کودک می‌تواند تأثیرات بسزایی داشته باشد و رعایت و یا عدم رعایت آنها در سعادت و شقاوت فرزند تأثیر مستقیم دارد.

۱- ازدو بندو قبل از رسیدن به سن تمیز

اولین سطحی که اسلام مراعات حریم‌ها را در آن توصیه میکند از بدو تولد شروع شده و تا پیش از رسیدن به سن تمیزی یعنی سن تشخیص خوب و بد ادامه دارد.

دراین دوره مهم‌ترین دستور اسلام پنهان کاری تام و تمام والدین نسبت به فرزند زناشویی است. دین دراین باره زمانی دستور می‌دهد از هرگونه آشنایی با فرزند این سال و میان حفظ حق حضور فطری در فضای شهوت‌آلود خودداری شود و زن و شوهر مثل زناشویی خود را حتی از طفل شیرخوار پنهان کنند

دراین خصوص روایات زیر قابل توجه است.

«رسول خدا(ص) می‌فرماید: سوگند به کسی که جان من در دست اوست اگر مردی با همسرش آمیزش کند و در اتاق طفل بیداری باشد که آن دو درحال جماع مشاهده کند و سخنانش و حتی صدای نفس کشیدنشان را بشنوند آن کودک هرگز موفق نخواهد شد و آلوده به زنا خواهد شد چه دختر باشد و چه پسر.»^(۱)
از امام صادق(ع) شنیدم که فرمود مرد با همسر و کنیزش درحالی که فرزند آن در خانه هست مجامعت نکند چرا که این از چیزهایی است که باعث زناکار شدن فرزند می‌گردد.»^(۲)

۲- از شروع سن تمیز تا قبل از بلوغ

سطح دوم حفظ حریم‌ها از زمانی شروع می‌شود که کودک به سن تمیز می‌رسد و تا قبل از رسیدن به سن بلوغ ادامه دارد؛ شاید بتوان گفت این دوره حساس‌ترین دوره‌ایست که در زندگی فرد وجود دارد و به خاطر همین حساسیت‌ها اسلام برای این دوره بهترین دستورات را برای فرموده و به والدین رسالت خاصی را واگذار می‌کند. که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

طبق روایات اسلامی این دوره که در واقع بنا بر شرایط عادی هفت ساله دوم سن افراد است دوره آموزش است.

«قال‌النبی‌(ص) الولد‌سید سبع سنین‌وعید سبع سنین‌ ووزیر سبع سنین»^(۳) «پیمابر اکرم فرمودند: بچه تا ۷ سال قافاست و تا ۷ سال عبد است و تا ۷ سال وزیر است»

درمطلب حاضر موضوع «اخلاص» و اهمیت آن از منظر آیت‌الله بهاء‌الدینی، امام خمینی(ره)، شیخ رجبعلی خیاط، آیت‌الله دستغیب و علامه سیدمحمد حسین طهرانی بیان شده است. آن را به نقل از فارس قدلمی بخوانندگان عزیز می‌کنیم.

■ **آیت‌الله بهاء‌الدینی**

حقیقت بندگی، اخلاص است. یعنی اگر همه چیز و همه کار را برای خدا انجام دادی و بقیه را بپوش بدانی؛ این اخلاص و بندگی است.

اخلاص همان توحید عملی است؛ یعنی در اعمال که برای عبودیت حق انجام می‌دهد، غیراز خدای تعالی کسی در آنها سهمی ندارد. عبادت‌های اسلام هم سلازنده نفوس انسانی و الهی است. نماز، زوره، حج و جهاد، ... همه سازنده‌اند؛ یعنی نهاد انسان را می‌سازند و باطن او را اصلاح می‌کنند. در نفس الهی، ششور و فساد نیست. ولی عباداتی سازنده است که برای خدا در آنها باشد. اگر بشر در عمل خود، غیرخدا را شرکت ندهد، عبادت، او را از مرحله حیوانیت به مرحله انسانیت می‌رساند.

شریک عمل ممکن است مخلوق حق باشد، ممکن است اقتصاد باشد، ممکن است مقام باشد، که اگر در کارهای خدا شرکت کند، عمل را از اخلاص خارج می‌کند. اگر کسی نماز خوانده است و دید سازنده نیست، بداند نمازش معیوب است. قبولی اعمال از همین جا تجربه می‌شود اگر ظاهر و منویات او مورد رضای حق است، این نماز، نماز پاک است. عبادات اسلام برای این است که انسان بسازد.

در آخرت، بازرعامال کسناد است و خریدار ندارد مگر خالص. شیطان به خاطر ما از درگاه خدا رانده شد. وقتی خوانوند حضرت آدم(ع) را خلق کرد فرمود: سجده کنیدا. همه مالکنه سجد کردند مگر ابلیس که تکبر کرد و سجد نکرد. گفت: خدا من را بهتر از او هستم من از آتش خلق شده‌ام و او از خاک. آنگاه رانده شد حالا که رانده شد کینه ما را به دل گرفت چون به خاطر ما از درگاه خدا رانده شد گفت: «فَبِعِزَّتِكَ لَأُؤْتِيَنَّهُمُ الْجِآنِغِينَ اَلْإِبَادِكُمْ مَهْمُ الْمُخْلِصِينَ»؛ خدایا به عزت قسم، همه بنی آدم را گمراه می‌کنم مگر آن عده که عبادتشان خالص باشد.

خالص آن است که به طمع بهشت نباشد، از ترس جهنم هم نباشد، خدا را دوست بدارد و بشری باشد خدا کار نکند. همان طور که حضرت امیر(ع) برای خدا اطعام کرد، نه توقع مزد دارند نه توقع اینکه مردم تعریفشان را بکنند.

امام خمینی(ره)

شما اگر نیت خود را خالص کنی، هم خود را صالح نمایبد، بد نفس و حب جاه را از دل بیرون کنی، مقامات عالیه و درجات رفیعیه برای شما نیامد و

آماده می‌شود. مقامی که برای بندگان صالح خدا در نظر گرفته شده، تمام دنیا

با مافیها یا آن جلوه‌های ساختگی، در مقابل آن به قدر پیشیزی ارزش ندارد.

معارف

Maaref@kayhan.ir

خانوادگی

■ **عبدالصمغ شمس‌اللهی**

زمانی است که فرزند به سن بلوغ رسیده باشد. در این هنگام به صورت طبیعی مراحل گذشته انجام پذیرفته اما فرزند به سنی رسیده است که در خود نیازهایی را احساس می‌کند و با مسائل جنسی تقریبا آشنا شده است. در این سن حریم‌ها به صورت تضادعی تشدید می‌شود؛ لذا نباید از هرگونه عملی که احتمال بر انگیزختن نیاز جنسی فرزند دران وجود دارد، جلوگیری شود؛ و این حتی نیاز است از اعمال مثل نوازش و یا بوسیدن فرزند توسط پدر یا مادر خودداری شود. البته این موضوع درموارد بسیار نادری اتفاق می‌افتد دراین مرحله والدین باید دریک پرسه زمانی معقول ومنطقی مراقبت‌ها و آموزش‌های لازم را برای آماده کردن تدریجی فرزندان برای ازدواج انجام دهند.

حریم‌های بین فرزندان
در هر خانواده معمولا دو یا چند فرزند با یکدیگر و زیر لوای پدر و مادر زندگی می‌کنند که در اکثر مواقع این فرزندان ازهر دو جنس دختر و پسر می‌باشند درخانواده چه فرزندان از یک جنس باشند و یا از هر دو جنس، باید یک سری ک از



■ جمعه‌ای که از اصول انسانی فاصله گرفته و غرق در شهوات حیوانی شده است. در چنین جامعه‌ای ساده‌ترین نیازهای روزمره همچون خرید کالا، به شهوت گره خواهد خورد و تا شهوت کسی را تحریک نکنی به مطلوبت نخواهی رسید.

 «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مردگان شما و همچنین کودکانی که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و پیش‌روز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا. این سه وقت خصوصی برای شماست اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (کند بودن آن وارد شونده و بر گرد یکدیگر بگردید و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایند.) این گونهٔ خاندان آیت را برای شما بیان می‌کند، و خاندان دانا و حکیم است! و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان‌گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند اینچنین خاندان آیتش را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است.»^(۱)

پوشش والدین در حضور فرزند

یکی از عمده‌ترین نکاتی که در خصوص حفظ حریم بین والدین و فرزندان باید مورد توجه قرار گیرد نوع لباس و میزان پوشش آنها در حضور فرزندان است. این نکته قابل توجه است که فرزندان در دوره قبل از بلوغ، به دلیل مولوجه یا ناساخته‌ها، لائما حسن کتیکلأوی دارند و اگر والدین مراعات پوشش مناسب را نکنند فرزند به فراست می‌افتد که خود از این مسائل سر دربیآورد، که در اینجا با مختل شدن روند تربیت جنسی، زمینه انحراف پیش خواهد آمد. در آیات مطرح شده در بند قبلی علت وجوب اجازه فرزندان را نداشتن لباس مناسب برای پدر و مادر بیان کرد، پس با توجه به این امر می‌تایم که در غیر آن سن که فرزندان در اسلام مراعات حال پدر و مادر دردی دیگر پدر و مادر باید مراعات فرزندان را نموده و با پوشش نامناسب در مقابل آنها ظاهر نشوند.

جداسازی بستر خواب والدین از فرزندان

از مجموع نکات گذشت می‌آید که جداسازی بستر فرزندان از پدر و مادر به دو صورت قویه دائم انجام می‌پذیرد. جداسازی موقت در صورتی است که زوجین قصد عمل زناشویی داشته باشند که در این صورت کودک در هن سنی و تحت هر شرایطی (اعم از سلامت و بیماری و...) باید از پدر و مادر و حریم آنها جدا شود، تا عمل زناشویی پایان یابد و جداسازی دائم زمانی است که فرزند به سن تمیز برسد و خوابیدن عادی پدر و مادر در کنار یکدیگر برای او سؤال‌برانگیز باشد.

مراعات حریم‌ها در خصوص مسئولیت مادرانه

یکی از دفعه‌هایی که همیشه مادران و پدران دارند مراعات مسائلی مثل پاکی و نجسی و نظافت از طرف فرزندان است. در اسلام برای این مسئله نیز حریم‌هایی نقل شده است که مراعات آنها ضروری است به عنوان مثال اسلام دستور می‌دهد تا قبل از شش سالگی نحوه نظافت از لیل و ناطل را به فرزندانان آموزش دهد، چرا که بعد از آن سن، فرزند مسئله جنسیت و خوب و بد را درک می‌کند و همین امر باعث می‌شود که مایشرت والدین در طهارت زمینه انحرافات بعدی او را فراهم آورد. «هن مغفر بن محمد بن ابراهع) قال: قال علی(ع) مباشره المرأ انبتها اذا بلغت ست سنین شعبه من الزنا»^(۲)

«جعفر بن محمد از پدرش (علیهما السلام) روایت کرده که آن حضرت فرمود: امرومبتواند(ع) فرمودند؛اینکه مادری عورت نیت دختر شش‌ساله خود را بشوید بخشی از زاناست.»

کناهی از اینکه زمینه انحرافات اخلاقی آینده این دختر را فراهم می‌کند. نکته این مسئله لازم به ذکر است که سن تمیزی، سن است که بچه خوب و بد را متوجه شود؛ دراسلام این سن مرز ۶ سالگی قرار داده شده اما با توجه به اینکه تعیین این سن منصوص العله است می‌توان گفت که این سن موضوعیت ندارد و فقط تشخیص و ضرورت فرزند با توجه به این مسئله با توجه به شرایط افراد متفاوت است و در مورد فرزند امروزی با توجه به نقش رسانه‌ها در آموزش‌های زودهنگام می‌توان این سن را زودتر از شش سال دانست.

۳- دوران بلوغ و پس از آن
سوسمین مرحله‌ای که باید پدر و مادر حریم را با فرزندان خود نگه دارند،

*** از منظر اسلام خانواده‌ای را می‌توان ایده‌آل دانست که حریم‌ها و محدودیت‌های دربین اعضا، مطابق دستورات حکیمانه الهی مراعات شود.**

فضای استراحت فرزندان اختیار کنند و فرزندان نیز می‌توانند درحرمی مخصوص به خود قرار بگیرند؛ ولی زمانی که خانه تنگ باشد تقریبا همه حریم‌ها از بین می‌رود و محل خواب فرزندان و پدر و مادر یکی می‌شود درمتون اسلامی نیز به این مسئله تأکید فراوان شده است تا آنجا که این مسئله را از سعادت مرد دانسته‌اند. «عن آبی عبدالله ع قال: من السعاده سعاه المنزل»^(۳) «ملم صادق(ع) فرمودند:

منزل وسیع از سعادت است»

همچنین امام صادق (ع) فرمودند: سه چیز باعث آرامش مرد است اول خانه وسیعی که او را درعربانی وحالاتی که بد است و دیگری او را در آن حال ببینند. بیوشاید و همسری که او را برای رؤسند در امور دنیا و آخرت و همچنین اگر در بیند دختر یا خواهری دارد آنها از آن خانه بیرون نمایند حال یا به ازدواج یا به مرگ. «أن أبا الحسن(ع) سئل عن فضل عیش النشاقل سعاه المنزل و كثره المحجین» «از امیرالمومنین(ع) سؤال شد که بهترین عیش‌های دنیا چیست حضرت فرمودند منزل وسیع و زیاده بودن دوستاران.»^(۴)

جالب توجه اینکه همین مقدار که درحسب خانه را واسع فرموده‌اند درمورد بدی خانه تنگ نیز بیان داشته‌اند، به عنوان مثال فرموده‌اند:

«عن آبی جعفر(ع) قال من شقاء العیش ضیق المنزل»^(۵)

«ملم باقر(ع) فرمودند از سختی زندگی این است که خانه انسان تنگ باشد.» یکی از مشکلاتی که باعث شده خیلی‌ها قید این گونه حریم‌ها را بزنند، همین مسئله است که در خانه‌های تنگ و کوچک زندگی می‌کنند، خانه‌هایی که گاه برای زندگی یک زن و شوهر هم مناسب نیست. سوغات معماری غربی، برای بشر متدین شرقی، چیزی نبود جز ابراهن‌هایی که مثل قوطی کبریت کوچک و بی‌روح روی هم چیده شده و سر به فلک گذشته‌اند. برای فرار از این مشکل باید به سمت خانه‌های وسیع رفت؛ این مهم اگر در شهرهای بزرگ امکان ندارد ولی در شهرهای کوچک با زمین‌های وسیعی که در اختیار هست امکان دارد.

نوع معماری و نقشه ساختمان

یکی دیگر از چیزهایی که به رعایت حریم‌ها کمک می‌کند نوع معماری درون خانه است در معماری اسلامی خانه متشکل از چهارقسمت بود که عبارتند از اندرونی، بیرونی و هشتی، که اندرونی و بیرونی را به هم متصل می‌کند، به علاوه اطاق‌های تو در تویی متعددی که هر کدام به تنهایی حریمی پوشیده و خصوصی بود. این حالت امکان رعایت حریم بین افراد خانواده را فراهم می‌کرد. اما در معماری امروزی بناهای شهری در ممالک اسلامی که معمولا برگرفته از معماری رومی است، خانه متشکل از سالیی بزرگ و یک‌دست و مشرف به آستیزخانه‌ای این با یک اطاق خواب که معمولا از آن استفاده سستو می‌شود، می‌باشد و همین چینیش باعث شده است که بیشتر حریم‌ها اعم از درون خانوادگی و با بیرون‌خانوادگی برداشته شود. در روایات اهل بیت(ع) نیز که نگاه می‌کنیم درمی‌یابیم که خانه‌های آن بزرگواران نیز از قسمت‌های مجزایی تشکیل شده بود، به عنوان مثال «از یعقوب بن منفوس روایت است که گفت: داخل شدم بر ای‌محمد(ع) و او نشسته بود در خانه و از جانب راست او اندرونی بود که پرده او آویخته بود گفتم مر او را که ای سید من کیست صاحب این امر؟ فرمود که برادر پرده را پس چون برداشتم بیرون آمد بر ما پسر خماسی که او را ده سال بود یا هشت.»^(۶)

علاوه بر آن نوع چینش نورگیرها، درها و پنجرها در معماری ایرانی اسلامی به گونه‌ای بود که از طریق پنجره‌ها به داخل خانه تسلط نبود و اگر دری بزرگ با پنجره‌های بزرگی برای خانه در نظر گرفته می‌شد، شیشه‌ها چتدریانی ماتی در آن استفاده می‌شد، که حتی سایه افراد از پشت آن قابل رؤیت نبود؛ اما در معماری امروزی متأسفانه نتهن‌ا این مسائل مراعات نمی‌شود و از همه جای خانه به جاهای دیگر خانه تسلط شده و از شیشه‌های ساده به جای شیشه‌های مات استفاده می‌شود؛ بلکه گاهی حریم‌های جان و غفت نیز شکسته شده تا آنجا که اخیرا از حمام‌های شیشه‌ای در منازل استفاده می‌شود.همچنین نوع و حجم مصالحی که در خانه‌های با معماری ایرانی اسلامی استفاده می‌شود، از نوعی بود که صدا از به راحتی عبور نمی‌کرد به عنوان مثال دیوارهای خشتی یا فقلری گاه نزدیک به یک متر از رفتن هرگونه صدایی جلوگیری می‌نمود؛ اما در بناهای امروزی گاه به یک پارت بسیاری از موارد زمین‌ساز قفاها در درون خانواده استفاده می‌شود که این خود در شکسته شدن حریم‌ها نقش بسزایی دارد.

۲- ساماندهی مد و لباس

لباس و نوع و مدل آن از مهم‌ترین مباحث در بحث حریم‌های درون خانوادگی است، امروزه تا بحث از ساماندهی مد و لباس می‌شود همه فقراها به این سمت می‌رود که باید برای اوضاع اجتماعی و پوشش آن کاری کرد؛ اما با حقیقت آن است که در مورد پوشش‌های درون خانوادگی نیز باید فکری کرد؛ در بسیاری موارد پوشش‌های وارداتی از غرب در محیط خانواده، مناسب خانواده اسلامی نیست اما به صرف حریمت افراد با یکدیگر این مسئله از دیدها پنهان مانده است و همین امر در رفتن زود زمین‌ساز انحرافات اخلاقی گردیده است.

۲- آموزش به خانواده‌ها

سوسمین لازمه رسیدن به سطح مناسب از حریم‌داری در خانواده، آموزش مناسب برای خانواده‌هاست. سطح عظیمی از روایات و آیات قرآن در مورد مسائل خانواده است و در میان آن‌ها بخش قابل توجهی به مسئله حریم‌ها اشاره نموده است. از همین نکته مشخص می‌شود که طریقت، اهتمام ویژه به آموزش در این بحث داشته است و پدران رسیدن به حد مطلوب راهی به جز آموزش خانواده‌ها وجود ندارد. جامعه بدون حریم، یعنی جامعه‌ای که از اصول انسانی فاصله گرفته و غرق در شهوات حیوانی شده است. در چنین جامعه‌ای ساده‌ترین نیازهای روزمره همچون خرید کالا به شهوت گره خورده و فرزند خرد و تا شهورت کسی تراحت نکنی به مطلوبت نخواهی رسید. لذا کمپانی‌های بزرگ غربی برای فروش کالایشان از کالایی جانبی به اسم زن استفاده می‌کنند و محل تقید به این حریمها خانواده است چرا که جامعه از افرادی تشکیل می‌گردد که در خانواده‌ها پرورش پیدا می‌کنند.

- | | | |
|---|---------------------|--|
| ۱- صدحسین یعقوب کلبینی، الکافی ج ۵، ۶- همان، ج ۳، ۴۴۴ | ۲- همان، ج ۳، ۴۲۷ | ۳- همان، ج ۶، ۵۲۵ |
| ۴- وسائل‌الشمعه، ج ۲۱، ص ۵۸ و ۵۹ | ۵- همان، ص ۵۲۶ | ۶- شیخ صدوق، من لا یحضره‌القیه، ج ۱۱- همان |
| ۷- همان، ص ۴۷۴، ۴۳۳ | ۸- کتافی ج ۶، ص ۵۲۵ | ۹- بحار‌الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵ |

خالص هر چیزی آن است که غیرش با او نباشد، خودش تنها باشد، مثلاً طلای خالص یعنی جز طلا چیزی نیست، مس ندارد، جنس اجنبی ندارد. یا مثلاً شایر خالص که در قرآن آمده است؛ بین کثافت و خون، شیر خالص بیرون می‌آید یعنی در حالی که با فضولات و خون بر خورد دارد مع‌الوصف نه متعفن به بوی کثافت است و نه رنگ و بوی خون دارد.

عمل باید خالص برای خدا باشد یعنی داعی و محرکش تنها تقرب به حق باشد یعنی غیر، پس اگر هم می‌خواهد به خدا نزدیک شود و هم نظرش چیز دیگری است خدا نمی‌پذیرد، این امری است سزّی و راجع به گذراندن به دل یا زبان نیست.

علامه سیدمحمد حسین طهرانی

اخلاص در عمل صالح یگانه وسیله نیل به مقصود است. «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» هر در قدمی که برمی‌دارد از تسویلات خود و تزینات ابلیس روی گردانیده، دل به خدای خود بسپارد و خواطر شیطانی را از ضمیر خود به دور ریخته، نفس متحرک و موج و مضطرب خود را به یاد خدا آرام کند.

این عمل احتیاج به مجاهده دارد، مجاهده با نفس و رسیدن به منزل اخلاص، تا از مخلصین شود و در تمام کارها از عبادت و غیر آن در هیچ چیز غیرخدا را منظور و مقصود خود نماند و صرفاً گزارش خلاصا لوجه‌الکریم بوده باشد. چون انسان در هیچ حال از تهاجم افکار و خیالات وارده در قلب خالی نیست، حتی در حال سسکوت و استراحت؛ خواطر بدون اختیار مانند سیل به دل انسان هجوم می‌آورند، و حتی در حال خواب، خواطر از آن‌ها دست بر نمی‌دارند؛ لذا برای سکون و آرامش دل باید با ذکر خدا و مجاهده بسیاری در مقابل هجوم خاطرات مقاومت نمود و دل را از دستبرد آن‌ان محفوظ نگاه داشت و در هر لحظه از منویات شخصی دست برداشت و اختیار و رضای اخلاص باری‌تعالی را بر رضا و اختیار خود ترجیح داد.

اگر انسان به یاری و توفیق خدا در این مرحله ایستادگی کند و مجاهده خود در ادامه بدهد کم کم همه مکارهای شخصیت‌طلبی و استکبار و استقلال منشی او خداحافظی نموده و می‌روند و دل عبودیت نسبت به ساحت حضرت معبود و روح خداطبیعی و نیاز و قفر به درگاه او چنانستین آن شده، از خودپرستی بیرون رفته خدابپرست می‌شود و حقیقت عبودیت را در خود ملاحظه و مشاهده می‌کند. قلب او آرام می‌گیرد و از نوسانات و حرکت می‌ایستد و با اضطراب و آشفتگی به اطمینان و سکون رهبری می‌شود؛ وجدش و سرش پاک و پاکیزه می‌شود و خواطر شیطانی دیگر به درون او راه پیدا نمی‌کند و سایر خواطر با اجازه او به درون دل راه می‌یابند و بدون اجازه حق ورود ندارند.

چون دل به این هنگام به تمام معنی کلمه، پاکیزه و صیقلی به صیقل محبت و عبودیت شده است؛ لذا جمال و انوار الهی در او مشهود و آینه تمام نمای ذات و اسماء و صفات حضرت معبود می‌شود و این مقام مخلصین است که بسیار مقامی والا و ارجمند است.

صفحه ۶

پنج شنبه اول آبان ۱۳۹۳

۲۸ ذیحجه ۱۴۳۵ – شماره ۲۰۹۰۴



چراغ راه

کمال عقل، پیروی حق

قال‌الحسین(ع)! لا یكمل‌العقل‌الابتباع‌الحق امام حسین(ع) فرمود: عقل کامل نمی‌شود مگر با پیروی از حق.^(۱)

۱- بحار‌الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷

حکایت خوبان

اخلاق کریمانه امام حسین(ع)

ازصمیم بن مصطلق نقل شده است؛ وقتی به مدینه وارد شدم، امام حسین(ع) را دیدم. از شهرش در شگفت شدم. حسد سرد مرا واداشت که دشمنی و کینه خود را آشکارسازم.

نزدیک ایشان رفتم و گفتم: تویی پسر ابوتراب؟ (تعبیر به ابوتراب برای امام علی(ع) درنظر کوتاه فکران، نوعی توهین بود) حضرت فرمود: بلی پس هرچه خواستم به او و پدرش دشنام دادم، ولی حضرت به من نگاه مهربانانه‌ای کرد و فرمود: پناه می‌برم به خدا از شرشیطان رانده شده به نام خداوند بخشنده و مهربان. گذشت پیشه کن و به (کار) پسندیده فرمان ده واز نادانان رخ برتاب و اگر از شیطان وسوسه‌ای تو برسد، به خدا پناه ببر، زیرا از شنوای دانا است (عارف-۱۹۹)

سیس فرمود: کار را برای خود آسانگیر و برای من خود، از خداوند طلب آموزش کن. اگر از یاری بخوایی، یاری‌ات می‌کنم و اگر چیزی طلب کنی، به تو می‌بخشم و اگر از من راهنمایی بخوایی، راهنمایی‌ات خواهم کرد. من از گفته‌ها و رفتار خود پشیمان شدم. حضرت فرمود: «امروز بر شما سرزشتی نیست، خدا شما را می‌آمزد و او مهربان‌ترین مهربان است» (یوسف-۹۲)

من از این اخلاق کریمانه، در برابر جسارت‌ها و دشنام‌ها، دوست داشتم. به زمین فرو روم. به ناچار از برابر چشم آن حضرت، به میان مردم پناه بردم و الان کسی پیش من از او و پدرش محبوب‌تر نیست.^(۲)

۱- سفینه‌الجبار، باب خلق (خلق امام حسین(ع))



پرسش و پاسخ

شرح صدر زمینه هدایت

پرسش:

چه عواملی سبب هدایت و یا گمراهی انسان در این عالم می‌شود؟

پاسخ:

مجموعه عواملی که سبب هدایت و یا ضلالت انسان در این عالم می‌شود متدند و فراوان است، اما یکی از آن عوامل کلیدی که قرآن کریم هم به آن اشاره می‌کند اینست شرح صدر است و در صورت وجود آن بستر هدایت را برای انسان فراهم می‌آورد که در صورت ضیق صدر که در نقطه مقابل آن است بستر ضلالت و گمراهی را برای انسان به وجود می‌آورد. خدای متعال در سوره انعام آیه ۱۲۵ می‌فرماید: «خاندان هر کس را بخواهد هدایت کند سینهنش را برای (پذیرش) اسلام می‌شکافد و هر کس را که به خاطر اعمال خالفش) بخواهد گمراه کند سینه او را و آنچنان تنگ و ناپذیرا می‌گرداند که گویا می‌خواهد به آسمان بالا رود؛ این گونه خاندان پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد.» بنابراین آیه شریفه، شرح صدر و ضیق صدر که هر دوی آنها به اعمال و رفتار خود انسان‌ها برمی‌گردد از مهم‌ترین عوامل هدایت و یا ضلالت انسان‌ها به شمار می‌آید.

مفهوم و آثار شرح صدر

شرح صدر عبارت است از توسعه دادن دل برای پذیرش اعتقادات صحیح، وسعت روح و گسترش افق فکری کسی که خاندان سینهنش را برای قبول اسلام گسترش می‌دهد، در حقیقت سینهنش را برای تسلیم در برابر اعتقادات درست و عمل صالح وسعت می‌دهد. در او نوعی ضیق صدر که انگیزه ایجاد می‌کند که به اسلام، گرایش یابد و وسوسه‌های فاسد را از دلش می‌زداید، چنین کسی بر مرکبی از نور سسوار است که جلوی او روشن است و حق را از باطل تمییز می‌دهد. پس نرم نشدن دل، خضوع، ترس، بیشش و بصیرت، از آثار و نشانه‌های شرح صدر است. (تفسیرالمیزان، ج ۷، ص ۲۷۰)

مفهوم و نشانه‌های ضیق صدر

ضیق صدر یعنی امتناع از پذیرش معارف و ندانستن بنیادیت کافی صحیح، وسعت روح و گسترش افق فکری کسی که خاندان سینهنش را برای قبول اسلام گسترش می‌دهد، در حقیقت سینهنش را برای تسلیم دنیا از نشانه‌های بارز آن است. (همان) خاندان چشم باطنی چنین کسی را از او می‌گیرد و بر دلش مهر می‌زند و در تنگی و تاریکی رهایش می‌کند. این حالت سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه خاندان هر کس را که بخواهد هدایت و هر کس را که نخواهد گمراه می‌کند. آیا این مطلب شهبه جبر و سلب اختیار از انسان را بوجود نمی‌آورد؟ پاسخ اجمالی این است که هدایت و گمراه کردن خاندان، با توجه به زمینه‌ها و عملکرد خود افراد است، نه دسته اول در پیمودن و انتخاب راه مستقیم و هدایت مجبورند و نه دسته دوم در گزینش گمراهی از آنان سلب اختیار شده است. (تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۲۵)

رجس به معنای نجاست، ناپاکی و پلیدی است، یعنی حالتی که سبب متغور شدن می‌گردد، خواه این حالت در ظاهر موجود پلید باشد، مانند آلودگی و ناپاکی، یا در باطن او باشد، مانند تکبر، دروغ، حسادت، بخل و رذائل اخلاقی؛ که خدای متعال در آیه شریفه نسبت به کسانی که ایمان نمی‌آورند و از تبعات کفر آنان می‌فرماید: «بن چنین رجس و پلیدی را بر کافران مسلط نمودیم، و آنان در پلیدی غورورند، و ناپاکی آنان را احاطه کرده است.»

سلوک عارفانه

سلوک قهقراپی

(بدان ای سالک عزیز!) سلوک قهقراپی زمانی اتفاق می‌افتد که دنیا هدف باشد و خدا وسیله؛ یعنی تمام وجهه قلب به سوی التذاتذات شهویه و غشیبیه بوده و در مسیر علقه‌های مظاهر طبیعت قرار بگیرد؛ خدا هم وسیله‌ای برای رسیدن به این لذات مادی باشد. این مسئله در طول تاریخ، از یک سنخ از محیط‌های مذهبی رایج بوده است و بویژه با مبالغه‌ها دینی و مجریان احکام الهی در همه زمانها همین است. یعنی انبیا و اولیا نیز، گرفتاری بزرگشان در ارتباط با همین افراد بوده است. آنهایی که می‌گفتند: ما به خدا و به جهان بعد از دنیا معتمدیم، ولی دروغ می‌گفتند. این افراد چون فضای کلی جامعه را مذهبی می‌بینند، می‌گویند: ما به خدا اعتقاد داریم، ولی در حقیقت آنها می‌خواهند از این شعار و ظاهر سازی، به عنوان یک ابزار برای رسیدن به اهداف دنیایی خود استفاده کنند. اینجااست که می‌گوییم: ارزش‌ها برای رسیدن به قدرت، جنبه ابزاری پیدا می‌کند. این همان چیزی است که قرآن آن را تحت عنوان «تفاق» مطرح می‌کند. درواقع چنین اشخاصی که از هدف فرار داده و از خدا استفاده ابزاری می‌کنند، بزرگ‌ترین مانع در مسیر اجرای فرمانهای الهی در سطح جامعه هستند. این‌ها از دین، برای رسیدن به اهداف شیطانی، مانند پول و ریاست، استفاده ابزاری می‌کنند و ضرر بزرگی به حرکت انبیا و اولیا می‌زنند.^(۱)